

اعتدال در حقوق خانواده

پرویز باقری ۱، شهرام غلامحسینی ۲ سحر دارابی ۳

چکیده

خانواده در جمهوری اسلامی ایران مانند سایر جوامع از آسیب‌هایی رنج می‌برد که سه آسیب کلی آن عبارت‌اند از «نادانی»، «ناتوانی»، و «نافرمانی» و به تعبیری جهل، عجز، و نشوز. هر یک از این آسیب‌ها خود مصادیقی دارند. برای رفع یا دفع آسیب‌های خانواده و تحقق نوعی اعتدال در این شاخه از علم حقوق دو راه حل متمایز پیشنهاد می‌گردد: یکی تسهیل طلاق در حقوق خصوصی و دیگری طلاق‌زدانی در حقوق عمومی. میان راه حل حقوق عمومی و حقوق خصوصی رابطه ترتیبی وجود دارد، اگر دولت به مسئولیت‌های خود در قبال خانواده عمل نماید یا به عبارتی به اعتدال نظام حقوقی خانواده کمک کند، از بسیاری طلاق‌ها پیشگیری می‌گردد و طلاق برای مواردی که آسیب موجود غیرقابل رفع یا رفع آن دشوار باشد تجویز خواهد شد. سیر تحولات قوانین و مقررات طلاق در جمهوری اسلامی ایران، جهت‌گیری «تسهیل طلاق» را نشان می‌دهد. توجیه حقوقی تسهیل طلاق برای زوج، حمایت از زن در برابر آسیب‌های «ضرر و حرج» است؛ در حقیقت قانون‌گذار خواسته از طریق تسهیل طلاق، زوج را از وضعیت ضرری یا حرجی خلاص نماید. تأثیرپذیری از رویکرد اعتدال حقوقی خانواده یا «برابری حقوقی» در اسناد بین‌المللی نیز در رویکرد تسهیل طلاق بی‌تأثیر نبوده است.

کلید واژگان: اعتدال حقوقی، حقوق خانواده، اعتدال در حقوق خصوصی و عمومی

در آمد

تمایز میان دو حوزه «عمومی و خصوصی»، همواره در نظریات مربوط به موضوعات علوم انسانی مورد توجه بوده و در باب این‌که کدام یک از این دو ساحت در حیات انسان نقش مهم‌تری ایفا می‌کنند، نظرات متفاوتی ابراز شده است؛ امروزه در چند رشته‌ی مهم، تلاش فراوانی برای شناسایی دقیق این دو حوزه از یکدیگر و مرزبندی‌های میان این دو قلمرو صورت گرفته و

^۱ استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور
^۲ کارشناس ارشد حقوق خصوصی
^۳ کارشناس ارشد روان‌شناسی

می‌گیرد. در خصوص علت توسعه‌ی این مباحث، به تأثیر مهم این تفکیک بر زندگی فردی و اجتماعی انسان اشاره شده است و این تقسیم‌بندی هنجارین را دارای تأثیر بنیادین بر ساختار اقدامات فردی و دولتی به شمار آورده‌اند.

در شناسای «هسته‌ی عمومی و خصوصی» بیان شده است که، هسته‌ی عمومی بیانگر عمل در عرصه‌ی حکومت و سیاست است؛ و هسته‌ی خصوصی در برگیرنده‌ی خانواده، روابط فردی و دوستانه، حیطه‌های کار شخصی، قلمرو ارزش‌ها و ترجیحات فردی است.^۱

تعریف خانواده از منظر فقه و حقوق:

در لغت، خانواده به اعضای تشکیل‌دهنده‌ی آن، یعنی اهل خانه، اهل‌بیت، مجموعه‌ی افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که زیر یک سقف زندگی می‌کنند و مجموعه‌ی خویشاوندان تعریف شده است.^۲ برخی صاحب‌نظران علوم انسانی و اجتماعی مانند کوئن، خانواده را گروهی از افراد می‌دانند که از راه خون، زناشویی و یا فرزند‌پذیری با یکدیگر ارتباط داشته و طی یک دوره‌ی زمانی نامشخص، باهم زندگی می‌کنند.^۳ گیدنز نیز خانواده را گروهی از افراد می‌داند که با ارتباطات خویشاوندی، مستقیماً با یکدیگر پیوند یافته و اعضای بزرگسال آن مسئول نگهداری کودکان هستند؛ بنابراین، خانواده پیوندهای خویشاوندی - ارتباطاتی میان افراد است که از طریق ازدواج و یا از طریق تبار نسبی خویشاوندان خونی افراد را با یکدیگر مرتبط می‌سازد.

اینگونه است که گیدنز ازدواج را پیوند جنسی می‌داند که اجتماع آن را به رسمیت شناخته و بین دو نفر بزرگسال پسندیده است.^۴ در این دو تعریف که جایگاه خاصی در جامعه‌شناسی و حقوق ایفا می‌کنند، خانواده بر اساس اعضای تشکیل‌دهنده‌ی آن مورد کاوش قرار گرفته است. در تعریف کوئن، دو عنصر «اعضای تشکیل‌دهنده‌ی خانواده» و «عامل ارتباطی میان آنها»، و در تعریف گیدنز باز هم «اعضای تشکیل‌دهنده‌ی خانواده» همراه با عنصر «مرجع رسمیت‌دهنده به صدق عنوان خانواده بر این گروه، ابزار تعریف خانواده محسوب گردیده است.

از رو‌شهای مرسوم برای تعریف یک مفهوم، در حوزه‌های مختلف علوم انسانی توجه به کارکردهای آن است. آگبرن و تیبیتس، خانواده را بر اساس کارکردهای آن مورد تعریف قرار داده و آن را نهادی می‌دانند که کارکرد تولید مثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، تنظیم رفتار جنسی، عاطفه و همراهی و تأمین پایگاه اجتماعی را بر عهده دارد؛ برخی دیگر مانند مورداک نیز در تعریف خانواده به کارکردهای آن توجه داشته و مبنای تشریح خود را به جای اعضای تشکیل‌دهنده، بر آثار روابط میان این افراد، مانند تولید مثل و همکاری‌های اقتصادی، به نحو فردی و یا اجتماعی قرار داده و در تعریف خانواده بر این اساس بیان م‌ی‌دارد که خانواده گروهی اجتماعی است که مشخصه‌ی آن، اشتراک در مکان زندگی، همکاری اقتصادی، و تولید است.^۵

در قرآن کریم با اشاره به زوجیت همه‌ی پدیده‌ها در جهان خلقت، جفت شدن، امری تکوینی نسبت به تمامی موجودات هستی معرفی شده است که تنها تفاوت این دو نوع شدن اختیاری در انسان، با سایر موجودات در شکل‌گیری همین مفهوم عظیم خانواده

است؛ زیرا تکامل روحی، دینی و عقلی که در اسلام امری موکد است. ۶. در آن حاصل می‌گردد؛ از دیدگاه قرآن، خانواده جایگاهی است که اصیل‌ترین نیازهای مادی و معنوی انسان در آن تأمین می‌شود:

نیازهای تکوینی، غریزی، عاطفی و غایت تکاملی این نکات مبین نگاه قرآن کریم به کارکردهای خانواده است. هم چنین خانواده در اسلام در شک‌لگیری خود، از جریان عقد نکاح بین دو نفر تشکیل می‌شود، که مشروعیت و شناسایی آن به واسطه‌ی این عقد معین مورد توجه و تأیید است و حتی برای آن استحباب قائل شده‌اند و دوام آن بر اخلاق فردی و گروهی است که به بسیاری از عوامل متغیر وابسته است، لذا از دیدگاه قرآن، خانواده نهادی است فطری، مشتمل بر وحدت و پیوند عاطفی همراه با حس دیگرخواهی و تعاون. ۷. که آن را بر اساس عقد نکاح و کارایی خانواده نسبت به اعضا مورد توجه قرار داده است.

در نظام حقوقی ایران و فقه شیعی، خانواده به طور واضح مورد تعریف قرار نگرفته است، بلکه بر اساس چند محور محتوا، اعضا، نحوه‌ی شکل‌گیری و کارکرد، سعی در توصیف ماهیت آن شده است؛ برخی از حقوق دانان و فقها با نگرشی به عامل سازنده‌ی خانواده (نکاح) و کارکرد زیستی آن، خانواده را رابط‌های حقوقی-

عاطفی تعریف کرده‌اند که به وسیله‌ی عقد بین زن و مرد حاصل می‌شود و به آن‌ها حق می‌دهد با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه، حق تمتع جنسی است. ۸. با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت خانواده مفهومی متحول در طول زمان است. ۹. که تحت تأثیر آداب و رسوم و فرهنگ مردم قرار می‌گیرد، اما از باب هستی‌شناسی، ماهیتی است که وجود معنادار و ثابتی در هستی دارد؛ تعریف خانواده تنها در توصیف آن به کارکردهای خاص، یا عقد نکاح به‌عنوان عامل شکلی پدیدآورنده، یا اعضا و ساختار و علل ارتباطی، پاسخگوی ماهیت حقیقی خانواده نیست. ۱۰. هرچند خانواده نهادی متشکل از تمامی اینهاست، اما با توجه به دگرگونی‌های خانواده و تأثیر عوامل متعدد در طول زمان و مکان بر آن، در تعریف خانواده باید به گونه‌ای سخن گفت که حیثیت ثابت آن از امور متغیر مشخص شود. به نظر می‌رسد در پاسخ به چستی این حیثیت ثابت، آن چنان که رفت، خانواده نهادی است اجتماعی و این هم از دیدگاه جامعه‌شناسی و هم از دیدگاه حقوق قابل تأمل و تأکید است؛ زیرا هدف هر دوی این علوم، قدر متیقن، صیانت از اجتماع با علم با جایگاه خانواده در آن است.

خانواده در نظام حقوقی ایران.

اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خانواده را واحد بنیادی جامعه اسلامی خوانده است، اما نه در فقه و نه در قانون مدنی ایران برای خانواده تعریف روشنی ارائه نشده است. در عین حال، با توجه به قواعد و مقررات حقوق مدنی، می‌توان آن را گروهی دانست که اعضای آن، به دلیل قرابت یا زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته‌اند. این گروه شامل زن، شوهر و فرزندان آن‌ها می‌شود که با ریاست شوهر در کنار هم زندگی می‌کنند. اگرچه خانواده در قوانین حقوقی ایران و بسیاری از کشورها فاقد شخصیت حقوقی است، شماری از حقوق دانان از اعطای شخصیت حقوقی به خانواده دفاع کرده‌اند. ۱۱.

عوامل آسیب‌زا

مردم بر اساس یک نیاز طبیعی ازدواج می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند اما خانواده ای که شکل می‌گیرد، به شدت از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی متاثر است. افرادی که در درون این ساختارها رشد کرده اند و باورها، نگرش‌ها و مهارت‌هایشان شکل گرفته، ناگزیر، خانواده ای متناسب با این ساختارها تشکیل می‌دهند. صنعتی شدن و تغییر الگوهای تولید، تغییرات گسترده در ساختارهای اجتماعی، اصلاحات دینی و جایگزینی انسان محوری به جای خدا محوری، غلبه نگرش پزیتیویستی در علوم، حضور تاثیر گذار و فرهنگ ساز تکنولوژی‌های جدید در زندگی مردم، ظهور جنبش‌های فمینیستی و حمایت منابع قدرت جهانی از آنها به دلیل همسویی منافع و بسیاری تغییرات دیگر که مدرنیته در زندگی انسان غربی پدید آورد، او را مجبور ساخت تا خانواده ای متفاوت از قبل با ساختاری جدید از روابط، حقوق و اخلاقیات، تشکیل دهد. خانواده ای که مرد آن حتی اگر مهارت داشته باشد، قادر نیست مدیریت کند؛ حمایت اقتصادی از زن تضمین نمی‌شود؛ نقش‌های سنتی زنانه ارزش محسوب نمی‌شود؛ خانواده ای که نمی‌تواند بر منفعت فردی اعضای خود غلبه کند؛ خانواده ای که برای تربیت فرزندان، از اختیارات لازم برخوردار نیست و بسیاری شاخص‌های دیگر که آسیب‌های خانواده را از حد نارضایتی‌های محدود دوران سنتی خارج کرده و فروپاشی خانواده را در افق دید اندیشمندان جهان نشانده و باعث نگرانی آنها شده است.

کشور ما نیز به همان نسبت که جبراً یا بر اساس سیاست‌گذاری‌های کلان، از جریان مدرنیته تاثیر پذیرفته، تغییر در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و به تبع آن تغییر در ساختارهای خانواده را شاهد بوده و همین تغییرات گسترده است که آسیب‌های کارکردی ذکر شده برای خانواده را در پی داشته است. برای بررسی دقیق‌تر عوامل آسیب‌زا در نهاد خانواده، می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد که بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند. دسته اول افراد تشکیل دهنده خانواده هستند که به دلیل ضعف در مهارت‌ها و انحراف در نگرش‌ها به خانواده آسیب می‌زنند. دسته دوم انحراف در ساختارهای مدیریتی، حقوقی و اخلاقی خانواده را شامل می‌شود و دسته سوم به انحراف در سایر نظام‌های اجتماعی مؤثر بر خانواده اشاره دارد.

تاثیر افراد بر خانواده

اولین و مهمترین عامل، تغییر نگرش بسیاری از مردم به زندگی است. پاره ای از نگرش‌های جدید در بین زنان و مردان مشترک است:

- کم‌رنگ شدن عنصر ایمان و تقدم منافع دنیوی بر کسب رضایت الهی؛ اصالت یافتن لذات مادی بر لذت‌های معنوی؛ فردگرایی و توجه به منافع فردی به جای ایثار و فداکاری و توجه به منافع خانواده به‌عنوان یک کل؛ افزایش زمینه برای برقراری روابط خارج از چارچوب ازدواج و در یک کلام رسوخ ارزش‌های مدرن و آموزه‌های فمینیستی در باور مردم مسلماً باعث افزایش ناسازگاری‌ها و کاهش تحمل افراد در مواجهه با کاستی‌ها و مشکلات معمول زندگی خانوادگی است. مادران، موفقیت‌های شغلی را بر نگهداری از کودکان خود ترجیح می‌دهند و نگران آسیب‌های روحی و عاطفی خانواده نیستند. پدران، از تمام مسئولیت‌های پدری به کسب درآمد اکتفا می‌کنند و آن را نیز به مرور زمان بین خود و همسرانشان تقسیم می‌کنند. زنان ترجیح می‌دهند تا طی مدارج

ترقی و کسب جایگاه برابر، ازدواج را به تاخیر بیندازند. مردان به دلیل کم رنگ شدن فرهنگ عفاف، نیاز کمتری به تشکیل خانواده حس می‌کنند.

کم رنگ شدن عنصر ایمان به همراه ترویج فرهنگ مصرف زدگی و زیاده خواهی، قناعت را از دایره ارزشها خارج می‌کند و قباحث کسب مال حرام را برای بسیاری از بین می‌رود. سیستم ناکارآمد اقتصادی نیز به رواج این بلیه کمک کرده و تیرگی و قساوت قلب و هدایت ناپذیری را در افراد خانواده و جامعه رقم می‌زند. جایگاه رو به بهبود دختران در خانواده، افزایش سطح تحصیلات آنان و ورود زنان به بازار کار و کسب استقلال مالی، همزمان معلول دو موج فکری است که متأسفانه در بسیاری موارد آموزه‌های آن با یکدیگر خلط شده است. یکی نگاه اصیل اسلامی که با طرح تفکرات انقلابی امام خمینی (ره) (راجع به زن مسلمان، جانی دوباره گرفت و زندگی زنان را متحول کرد. دیگری موج تفکرات فمینیستی که با ظهور انقلاب اسلامی متوقف شد اما در دو دهه گذشته همزمان با رواج نظریات توسعه و مدرنیته در کشور، دوباره مطرح شده و امروز از سوی منابع مختلف داخلی و خارجی حمایت می‌شود و حتی بسیاری از زنان پایبند به ارزش های دینی را نیز به تصور اسلامی بودن این آموزه ها با خود همراه کرده است. این دو موج فکری متناسب با خاستگاهشان تأثیری عمیق بر نگرشها و انتظارات زنان از زندگی زناشویی و خانوادگی برجای گذاشته اند. بخشی از این تغییرات مانند افزایش اعتماد به نفس، ابراز نیازها و مطالبه حقوق به حق خود، رشد فکری، حضور سالم اجتماعی و کسب درآمد متناسب با مصالح خانواده، از سوی دین مورد تایید قرار می‌گیرد اما هنوز کم نیستند مردانی که تمایل ندارند سنت های گذشته را به نفع نگاه اصیل اسلامی کنار بگذارند و نمی‌توانند زندگی سالمی را با زنان رشد یافته ادامه دهند. بخشی دیگری از این تغییرات مانند تحقیر ارزشها، خصوصیات و نقش های زنانه و الگو قرار دادن ارزش های دنیای مردانه برای زنان، ترویج برابری بدون لحاظ تفاوت های جنسیتی و اختلاط نقش های خانوادگی و تضعیف نقش های مادری و همسری برگرفته از آموزه‌های فمینیستی و در تعارض آشکار با مفاهیم دینی است اما گاه از طریق دستگاه های مختلف نظام جمهوری اسلامی مانند رسانه ملی و نظام آموزش و پرورش، ترویج شده و به روابط زنان و مردان در خانواده آسیب می‌زند.

عامل بعدی، فقدان مهارت ها و آگاهی های لازم برای افراد در مسائل جنسی و روابط خانوادگی است که به گفته کارشناسان، سهم عمده ای از آسیب ها را به خود اختصاص داده است. در گذشته، خانواده تنها مرجع انتقال این مهارت ها و آگاهی ها بود، اما پیچیدگی شرایط زندگی امروز و به دنبال آن، کم رنگ شدن نقش خانواده در انتقال مهارت ها و عدم برنامه ریزی نهاد ها و سازمان های متولی مانند رسانه ها و نظام آموزش پرورش برای این مهم، خلاء جدی در این زمینه به وجود آورده است.

عدم اجتهادساختاری از منابع فقهی

عامل آسیب زای دیگر، انحراف از ساختارهای خانواده متعادل اسلامی است. چنان که ذکر شد، ساختار روشن و منسجمی از متون دینی اجتهاد نشده اما شاخصه هایی برای ساختار خانواده دینی در روایات و آیات آمده است که نقاط انحراف را روشن می‌سازد. یک نمونه از آن رواج ساختار اقتدار عرضی یا دموکراسی در خانواده است که پدر و مادر و فرزندان را در یک سطح از تصمیم گیری قرار می‌دهد و هیچ‌کس مجاز به دخالت در امور دیگری یا اعمال نظر خاص نیست. در حالی که ساختار خانواده

دینی به صورت طولی و با ریاست مرد و حیظه گسترده مسئولیت های او به همراه توصیه های اخلاقی تعریف شده است. این تغییر ساختاری در سایر نقاط جهان نیز اتفاق افتاده و بررسی در مورد پیامدهای آن، نتایج بعضاً متناقضی از آثار مثبت و منفی نشان داده است. با توجه به حساسیت و تاثیر گذاری و چالش برانگیز بودن این موضوع در کشور ما ضروری است تحقیقات دقیقی در این باره به عمل آید. لازم به ذکر است که تغییر نگرش هایی که در زنان و مردان جامعه رخ داده و آموزه های مدرنی که باور نسل های جدید را شکل داده بدون شک بر ذائقه افراد تاثیر می گذارد و ساختارهای متناسب با این باورها را طلب می کند. به همین دلیل است که گاه برابری نقش های زن و مرد با تمام مشقت جسمی و روحی که بر زنان حمل می کند و آسیبی که به کانون خانواده می زند، همچنان مطلوب آرمانی گروهی از زنان است.

نمونه دیگر از تغییرات ساختاری، تلاش های بر گرفته از تفکرات فمینیستی برای مشابه سازی حقوق زن و مرد در خانواده و در واقع انحراف از نظام حقوقی اسلام برای این نهاد است که بر اساس تفاوت های طبیعی زنان و مردان و به منظور استحکام و کارایی خانواده طراحی شده است.

خرده نظام های تأثیرگذار بر خانواده

افراد، حتی اگر در خانواده ای با ساختار آرماتی زندگی کنند باز هم از جامعه و خرده نظام های معیوب آن به شدت متأثر می شوند و این تأثیر به مرور زمان، ساختار خانواده را نیز تغییر خواهد داد. برخی خرده نظام های آسیب زا در بحث خانواده شامل موارد زیر هستند:

رسانه های جمعی به عنوان یکی از اجزای نظام فرهنگی و آموزشی کشور، امروزه رقیب کارکرد تربیتی خانواده و یکی از بزرگترین منابع اطلاع رسانی و آموزشی محسوب می شوند و تحلیل محتوای آنها نشان می دهد که متأسفانه خواسته یا ناخواسته علاوه بر رواج آموزه های فمینیستی و مدرن، در ارائه الگوهای ناسالم از خانواده، بسیار فعال عمل می کنند! افتخار رسانه ملی به پربیننده بودن سریال چارخونه که به بهانه خندانیدن مردم، یک پدر بی عرضه، توسری خور، نادان، بی قید و دارای کلکسیون از دیگر صفات زشت اخلاقی را در یک خانواده مادر سالار به تصویر می کشد، نمونه ای از این فعالیت هاست.

نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور بر خلاف رویکرد دینی و هماهنگ با آموزه های فمینیستی، تفاوت های جنسیتی را در برنامه ریزی های آموزشی به کلی نادیده می گیرد و به این ترتیب در رواج این آموزه ها و دامن زدن به فقدان مهارت های زندگی خانوادگی، سهم بسزایی دارد. بعضی کارشناسان معتقدند علاوه بر ضعف های جزئی، کل نظام آموزشی کشور نیز نمی تواند انتظارات ما برای تربیت انسان دینی را برآورده سازد زیرا ساختار آن برگرفته از نظام های مدرن غربی در یک پارادایم انسان محور است.

نظام اقتصادی در بحث سیاست گذاری، برنامه ریزی و قانون گذاری، آن چنان که باید در راستای حمایت از خانواده عمل نمی کند. اگر اشتغال زنان در خانواده متعادل اسلامی باید فرع بر وظایف اصلی زن به عنوان مادر و همسر و محور عاطفی خانواده باشد، نظام اقتصادی باید فرصت های شغلی ویژه زنان و متناسب با شرایط آنان فراهم کند.

از عوامل دیگر بر آسیب های خانواده نشوز است:

نشوز اصطلاحی در فقه و حقوق اسلامی به معنی تمکین نکردن، نافرمانی و عدم ایفاء وظایف زناشویی از سوی یکی از زوجین است. اگرچه معمولاً نشوز فقط به نافرمانی زن از طریق عدم تمکین به شوهر اشاره دارد اما نافرمانی شوهر نیز در نوشته های فقهی نشوز نامیده می شود هر چند اصطلاح تمکین در مورد شوهر استفاده نمی شود. هنگامی هم که این وظیفه ناشناسی دوجانبه باشد آن را شقاق می نامند ۱۲.

تمکین یکی از تکالیف زن در برابر شوهر به شمار می رود که به دو نوع «تمکین خاص» و «تمکین عام» تقسیم می شود. تمکین خاص به برآوردن درخواست های جنسی شوهر و تمکین عام به انجام وظایف خانوادگی، اطاعت از شوهر و پذیرفتن ریاست شوهر بر خانواده است. وظیفه تمکین عام ایجاب می کند که زن نظرات مرد در مورد تربیت فرزندان، امور خانوادگی، و کارها و روابط اجتماعی خود را بپذیرد و از آن اطاعت کند ۱۳.

ناشز و «ناشزه» به مرد یا زنی گفته می شود که حقوق واجب و وظایف شرعی را نسبت به همسرش رعایت نکند. هرگاه نشوز و نافرمانی، از سوی زن باشد، مرد می تواند زمینه آن را از بین ببرد. به این ترتیب که نخست او را نصیحت کند و اگر تأثیر نگذاشت، می تواند از هم خوابی یا او بپرهیزد؛ یعنی، در بستر خواب به او پشت کند و یا نزد او ن خوابد. اگر این روش نیز در او اثر نداشت، چنانچه امید دارد با تنبیه او را از نافرمانی باز دارد. البته این کار به قصد اصلاح (نه از روی خشم و انتقام) و به اندازه ای باشد که باعث توجه و تنبه او گردد.

هرگاه نشوز و نافرمانی از سوی مرد باشد، زن نخست او را نصیحت می کند و اگر تأثیر نگذاشت، می تواند شکایت خود را نزد حاکم ببرد تا او را به انجام وظایفش وادار کند. البته حق ندارد با او قهر کند و یا او را کتک بزند ۱۴.

حقوق خانواده در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تنها قانون اساسی دنیا است که در مقدمه آن به مسأله خانواده پرداخته شده است. اصل ۱۰ قانون اساسی می گوید: "خانواده، واحد بنیادین جامعه و مرکز اصلی رشد و تعالی انسان هاست. کلیه قوانین، مقررات و برنامه ریزی های کشور باید در راستای ارتقا و استحکام بنیان خانواده باشد. در علم حقوق، هر کلمه ای متضمن اندیشه است، هنگامی که مسأله ای به عنوان بنیادین در قانون اساسی مطرح می شود، به این معنی است که باید در بنیادی ترین مقطع و در برنامه های توسعه، مد نظر سیاستگذاران نظام چه در مرحله اندیشه و فکر و چه در مرحله اجرا و عمل قرار گیرد.

در اصل دیگری از قانون اساسی آمده است: دولت موظف است که تعدادی از دادگاه ها را در جهت تحکیم بنیان خانواده به کار گیرد. "دادگاه های خانواده باید در جهت تحکیم بنیان خانواده کار کنند و مجهز به کارشناسان امور اجتماعی و غیره باشند. مبدأ تاریخ بشری با خانواده شروع می شود و کاروان بشری نیز با خانواده تحقق پیدا می کند. قرآن کریم می فرماید: برای هر چیز یک زوج قرار دادیم" و راز بقای بشری این است که این امر به نحو احسن انجام پذیرد.

دلیل اهمیت این امر، تأثیر خانواده بر ارزش ها و روابط اجتماعی است و می توان گفت که یک خانواده سالم ، جامعه سالم را نوید می دهد و سلامت خانواده، سلامت جامعه را به دنبال دارد. تمامی تحولات اجتماعی، در ابتدا در خانواده شکل می گیرد و سپس به صورت ارزش ها وارد اجتماع می شود. به عبارت دیگر هر نوع اخلاق و تعهد اجتماعی ابتدا در خانواده شکل می گیرد و سپس به جامعه منتقل می شود.

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است . زن در چنین برداشتی از واحد خانواده ، از حالت « شیئی بودن » و یا « ابزار کار بودن » در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار ، خارج شده و ضمن بازیافتن و وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسان های مکتبی پیش آهنگ و خود هم رزم مردان در میدان های فعال حیات می باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والا تر خواهد بود.

• اصل دهم:

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است ، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده ، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

• اصل یستم:

همه ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون دارند و از همه ی حقوق انسانی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.

• اصل بیست و یکم:

- دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد :
- ۱ ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او .
 - ۲ حمایت مادران ، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند ، و حمایت از کودکان بی سرپرست
 - ۳ ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده
 - ۴ ایجاد بیمه ی خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست
 - ۵ اعطای قیومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن ها در صورت نبودن ولی شرعی .

خانواده در حقوق خصوصی

مبحث حقوق خانواده صرفاً جنبه حقوقی ندارد و به دلایل گوناگون با مسائل دینی، اخلاقی و اجتماعی آمیخته است. ماهیت خانواده به‌گونه‌ای است که تنظیم روابط میان اعضای آن بسیار بیش‌تر از قوانین حقوقی، در گرو آموزه‌های دینی و اخلاقی است و از این‌رو دخالت بیش از حد دولت و قوانین موضوعه را بر نمی‌تابد. ۱۵

موضوع حقوق خانواده در منابع فقهی و، به تبع آن، قانون مدنی ایران، شامل مباحث مهمی چون نکاح، انحلال نکاح، قرابت و نسب است. کتاب هفتم فصول اول تا هفتم، کتاب هشتم ابواب اول تا سوم و کتاب نهم فصل اول شامل مواد قانون مدنی از ماده ۱۰۳۴ تا ماده ۱۲۰۶ به موضوع حقوق خانواده پرداخته است.

مسائلی که در خانواده مطرح است عبارتند از :

- ۱ ازدواج (چه ازدواج دائم و چه موقت)
- ۲ شرایط نکاح
- ۳ آثار مالی و غیر مالی نکاح
- ۴ امتیازات زن در خانواده
- ۵ حقوق و تکالیف زن و شوهر
- ۶ شروط ضمن عقد
- بر اساس اصل آزادی اراده ها، زوجین هر شرطی را که مخالف مقتضای ذات عقد نباشد می‌توانند بر یکدیگر تحمیل کنند .
- ۷ تمکین
- ۸ نفقه
- ۹ نظرات مختلف پیرامون مهریه
- ۱۰ نحوه وصول مهریه (از طریق ثبت یا دادگاه ها)
- ۱۱ ضمانت اجرای مهریه : اگر مردی مهریه همسرش را پرداخت نکرد ضمانت اجرایی آن چیست؟
- ۱۲ اجرت المثل: زنی که در منزل شوهر کار می کند باید اجرت بگیرد. آیا این اجرت امری تبرعی است؟ آیا شوهر باید امر کند که زن در منزل کار کند و اجرت بگیرد؟
- ۱۳ طلاق و انواع آن
- ۱۴ طلاق عسر و حرجی: اگر زنی قصد تفضای طلاق بکند باید آن را به چه صورتی در دادگاه مطرح کند؟
- ۱۵ تفاوت فسخ نکاح و طلاق
- ۱۶ تدلیس در طلاق و ازدواج
- ۱۷ حضانت فرزندان

۱۸ بحث نسب و اثبات رابطه زوجیت: اگر مردی در دادگاه بخواهد اثبات کند که این زن، زن بنده نیست، باید چگونه ادعای

خود را مطرح کند؟

۱۹ نصب قیم

در قانون دادگاه های خانواده تبصره ای وجود دارد که عبارت است از:

قضات دادگاه های خانواده حداقل باید چهار سال سابقه کار داشته، و متأهل باشند. به دلیل اهمیت دادگاه های خانواده این شرط استثنایی و اختصاصی است و مخصوص دادگاه های خانواده است. در دادگاه های خانواده حتماً باید یک مشاور زن، در کنار رئیس دادگاه مشغول به کار باشد.

وجه تمایز حقوق عمومی و حقوق خصوصی

برای تمایز «حقوق عمومی» از «حقوق خصوصی» معیارهایی مطرح کرده اند ولی بر پایه مقبول ترین تعریف، «حقوق عمومی» قواعد حاکم بر تشکیلات دولت و روابط سازمان های وابسته آن با مردم در مقام اعمال حاکمیت و اجرای اقتدار عمومی است و شاخه های آن عبارتند از: حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق مالی، حقوق کیفری و حقوق کار. ۱۶. در برابر، «حقوق خصوصی» قواعدی است که روابط مردم را با یکدیگر، با دولت یا سازمان های دولتی، در مقامی برابر با آحاد مردم و بدون اعمال حق حاکمیت، تنظیم می کند و شاخه های آن عبارتند از: حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق دریایی و میان راه حل حقوق عمومی و حقوق خصوصی رابطه ترتیبی وجود دارد. اگر دولت به مسئولیتهای خود در قبال خانواده عمل نماید، از بسیاری طلاقیها پیشگیری می شود، و طلاق برای مولدی که آسیب موجود غیرقابل رفع یا رفع آن دشوار باشد تجویز می شود. سیر تحولات قوانین و مقررات طلاق در جمهوری اسلامی ایران، جهت گیری «تسهیل طلاق» را نشان می دهد. توجیه حقوقی تسهیل طلاق برای زوجه، حمایت از زن در برابر آسیبهای «ضرر و حرج» است. خانواده در ایران مانند سایر جوامع به دلیل سه آسیب "نادانی"، "ناتوانی" و "نافرمانی" و به تعبیری جهل، عجز، و نشوز رنج می برد، هر یک از این آسیب ها خود مصادیقی دارند. مثلاً نادانی اعم است از حقوقی و مهارتی؛ یا ناتوانی اعم است از مالی و غیرمالی؛ و نافرمانی نیز ممکن است یک جانبه یا متقابل باشد. مقصود از ناتوانی در تقسیم فوق مفهوم فقهی آن است و به همین دلیل توانائی ضرری و حرجی را نیز در بر می گیرد. چه اینکه در فقه اسلامی تکالیف ضرری و حرجی مرفوع است. از سوی دیگر، هر چند نادانی یک آسیب حقوقی به شمار نمی آید ولی باعث به وجود آمدن بعضی مشکلات حقوقی می گردد.

در حقیقت قانون گذار خواسته است از طریق تسهیل طلاق، زوجه را از وضعیت ضرری یا حرجی خلاص نماید. تأثیرپذیری از رویکرد «برابری حقوقی» در اسناد بین المللی نیز در رویکرد تسهیل طلاق بی تأثیر نبوده است. راه حل آسیب نادانی، اعم از جهل به حقوق و مسئولیت ها یا فنون و مهارت های همسررداری، آموزش و مهارت افزائی است. بی شک اجرای یک بسته آموزشی جامع می تواند از مشکلات خانواده جلوگیری کند یا بطور چشمگیری آن را کاهش دهد. راه حل آسیب ناتوانی حمایت و تواناسازی است.

راه حل عجز و اعسار، حمایت مالی به صورت تأمین مالی یا اشتغال آفرینی و راه حل ناتوانی جنسی درمان است. با فرض امکان تأمین مالی زوجه یا درمان ناتوانی جنسی زوج، طلاق قضائی و جاهتی ندارد. راه حل نافرمانی زوجین یا امتناع آنان از وظایف همسری حکمیت یا داوری است. شکل قدیمی و سنتی داوری، ورود اشخاص حقیقی فامیل برای اصلاح میان زوجین است. روشن است که از اشخاص حقیقی غیرمتخصص یا افرادی که کاسب کارانه به داوری رو آورده اند کاری ساخته نیست. دولت می تواند با بهره جویی از داوری اشخاص حقوقی که اعضای آن از تخصص های متفاوت و متناسب برخوردار هستند، از بسیاری طلاق ها پیشگیری نماید. ۱۷

داوری در حقوق خانواده

و اِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ اَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِّنْ اَهْلِهَا اِنْ يَرِيْدَا اِصْلَاحًا يُوْقِي اللهُ بَيْنَهُمَا اِنْ اللهُ كَانَ عَلِيْمًا خَبِيْرًا. «نساء آیه ۳۵»

و اگر از ناسازگاری میان زن و مرد بیم دارید، داوری از طرف مرد و داوری از طرف زن تعیین کنید، اگر آنها سرسازگاری داشته باشند، خدا میانشان آشتی خواهد داد. بی شک خداوند دانا و آگاه است.

قرآن کریم برای صلح و سازش و رفع ناسازگاری بین زوجین، تشکیل محکمه صلح خانوادگی را توصیه نموده است. آیه فوق به شکل زیبایی برای تقویت و تحکیم روابط زوجین راه حل ارائه می دهد و نهاد ویژه ای را برای ایجاد صلح و سازش در محیط خانواده معرفی می نماید و آن نهاد حکمیت و داوری است با دقت در آیه شریف نکات زیر قابل استنباط است:

با بروز نشانه های شکاف و جدایی، محکمه خانوادگی شکل می گیرد. تعبیر (خفتم شقاق) اشاره به همین نکته است

زن و شوهر، یک روح در دو پیکرند زیرا کلمه «شقاق» در جایی به کار می رود که یک حقیقت به دو قسمت تقسیم شود.

اقدام برای اصلاح میان زن و شوهر باید سریع باشد حرف «فاء» در جمله «فابعثوا» برای تسریع است.

جامعه در برابر اختلافات خانواده ها، مسئولیت دارد «وان خفتم ... فابعثوا»

بستگان، در رفع اختلاف خانواده ها، مسئولیت بیشتری دارند. «من اهلها»

زن و مرد در انتخاب داور، حق یکسان دارند «و حکماً من اهلها»

از آشتی دادن، ناامید و مایوس نبوده و نسبت به آن بی تفاوت نباشیم.

اسلام به مسایل شورایی و کدخدانمشی، توجه دارد.

همه مسائل را به قاضی و دادگاه نکشانید، خودتان درون فامیل حل کنید. (اشاره قضا دایی)

باید زن و شوهر، داوری داوران انتخاب شده را بپذیرند. (لازمه انتخاب داور، اطاعت از حکم لوست) در انتخاب داور باید به آگاهی، رازداری و اصلاح طلبی آنان توجه کرد.

دلها به دست خداست. «یوقا... بینهما» و طرح قرآن برای اصلاح خانواده، بر خاسته از علم و حکمت الهی است «علماً خبیراً»

با توجه به مراتب فوق و به لحاظ اهمیت استحکام خانواده‌ها و کاهش طلاق، قانون‌گذار به تبع شرع مقدس، نهاد داورى را در قانون با شرایطی ویژه پیش‌بینی نموده است.

بر این اساس، داورى باید در زمان اختلاف زن و شوهر اجرا گردد و خانواده‌ها در برابر اختلاف زن و شوهر جوان احساس مسئولیت کنند تا بدین ترتیب از مشغله‌ی دادگاه‌های خانواده کاسته شده و دادگاه‌ها با فراغ بال و حوصله بیشتری به اختلافات پیچیده تر خانوادگی رسیدگی نمایند.

نتیجه گیری

۱ مشکل عمده ای که بارها در میان روابط خانوادگی پدید می آید، عدم توجه به قطب و تمایل به بیرون از مرکز است. هر گاه توجه به پیرامون افزایش یابد، به همان اندازه از توجه به قطب و مرکز کاسته می‌شود. این بی توجهی یا کم توجهی به مرکز عامل بسیاری از تنش ها و بحرآن‌هاست. پسر و دختر پس از ازدواج تلاش می‌کنند تا در محوری به نام همسری گرد آیند و مرکز و قطب جدیدی را بیافرینند. آفرینش قطب جدید، به معنای مرکزیت است که دیگران را در پیرامون یا حاشیه قرار می‌دهد و به شکلی از مرکزیت و قطب بودن خارج می‌سازد و به بیرون از مرکز دایره می راند. این رانش برای بسیاری از خانواده سخت و دشوار است و از این جاست که مشکل آغاز می‌شود؛ زیرا هر یک از مادر زن ها و مادر شوهرها، خواهان بقای وابستگی فرزندان به خود هستند و اجازه نمی دهند که به پیرامون یا حاشیه رانده شوند. این در حالی است که ایجاد قطب جدیدی به نام خانواده جدید، نیازمند تغییر در مناسبات و ایجاد مناسبات جدیدی با محوریت یابی مرکز جدید است که بر اساس اراده و اختیار و انتخاب همسران یعنی قطب جدید شکل می‌گیرد.

۲ جامعه از انواع عدم تعادل‌ها رنج می‌برد. زمانی عدالت جنسیتی را به‌عنوان ایده قابل طرح است انتظار میرود که جهان این ایده را از ما قبول کند، در حالیکه در کشورمان ابعاد مختلف آن بررسی نشده و در عمل راستی‌آزمایی نشده است. همایش‌هایی مانند همایش ملی اعتدال می‌تواند به ما در شناخت این ابعاد کمک کند و زمانی توسعه متوازن شکل می‌گیرد که در همه جنبه‌ها اعتدال رخ دهد.

۳ ایجاد توازن میان کار و زندگی زنان امری ضروری است. سیاست‌ها باید به گونه‌ای باشد که زنان مجبور به انتخاب میان کار و زندگی نباشند. اگرچه این نیز یک دغدغه جهانی است و ما باید از زنان به‌عنوان ظرفیت مهم و نیمی از جمعیت استفاده کنیم.

فهرست منابع:

- ۱ اسدی میرزا زاده، نسبت خانواده با حقوق عمومی و خصوصی، ۱۳۹۲.
- ۲ معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۷۶
- ۳ کونن، بروس، درآمدی بر جامعه شناسی، برگردان: محسن ثلاثی، تهران: نوتیا، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.
- ۴ گیدنز، آنتونی، جامع هشناسی، برگردان: منوچهر صبوری، تهران: نی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۳.
- 5-David,lee & Houbd, Newby, The Problem of Sociology, London & New York, Routledge, 2000.
- ۶ سبحانی، جعفر، رسالت جهانی پیامبران، قم: مکتب اسلام، چاپ نخست، ۱۳۷۴.
- ۷ مهدوی کنی، صدیقه، ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ نخست، ۱۳۸۸.
- ۸ محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دهم، ۱۳۸۲
- ۹ یشربی قمی، سید علی محمد، حقوق خانواده، تهران: سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۷.
- ۱۰ اسدی، لیلیاسادات، درسنامه حقوق کیفری خانواده، تهران: دفتر نشر آثار علمی دانشگاه امام صادق علی هالسلام پردیس خواهران، چاپ نخست، ۱۳۹۰.
- 11- Kirby and other, sociology in perspective, AQA edition, published by Heinemann, 2000.
- ۱۲ امام خمینی، رساله توضیح المسائل تهران ۱۳۷۲ ش. حسن امامی، حقوق مدنی، تهران ۱۳۷۳ ش.
- ۱۳ ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی: خانواده، ج ۱، صالف - ه، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۴ حسین صفائی و اسدالله امامی، حقوق خانواده، ج ۲، ص ۱۱-۱۲، تهران، ۱۳۷۶ ش
- ۱۵ امام، تحریرالوسیله، ج ۲، النشوز، م ۱ و ۲؛ صافی، هدایةالعباد، ج ۲، النشوز، م ۱ و ۲؛ سیستانی، منهاج‌الصالحین، ۳۵۵
- ۱۶ حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۴، ص ۴۴۲-۴۵۹، تهران ۱۳۷۳ ش.
- ۱۷ محمدتقی دامغانی، قوانین ایران قبل از مشروطیت، ۱۳۵۷ ش.
- ۱۸ پایگاه خبری تحلیلی قم پرس / هم‌اندیشی علمی طلاق در حقوق خانواده. کد خبری ۹۵۱۰۱